

تیفوس

ژان پل سارتر

ترجمه قاسم صنعوی



بنگاه ترجمه و نشر
کتاب پارسه

در نیمه‌های ۱۹۴۳ مؤسسه پاته^۱ پی برده بود که آزادی قریب الوقوع، اجازه خواهد داد طرح‌هایی بدون مانع و رادع در نظر گرفته شود. ولی زندگی دقیقاً به گونه‌ای که پیش از جنگ بوده از سر گرفته نخواهد شد. سینما نیز به همین نحو؛ نوعی نوآوری ضروری می‌نمود. ولی چه نوع نوآوری؟

مؤسسه تصمیم گرفت نوشتن فیلم‌نامه‌هایی را به نویسندگان پیشنهاد کند. نظر سارتر را جویا شدند. او هم پذیرفت. جلسه‌هایی تشکیل شد که در آن‌ها رمان‌نویسان، نمایش‌نامه‌نویسان و کارگردانان جوانی شرکت کردند. پس از برون‌رفتن از فاجعه، چه چیزهایی

۱. Pathe؛ شرکت فیلم‌برداری فرانسوی که به کوشش برادران پاته ایجاد شد. — م.

بر تماشاگران تأثیر خواهد گذاشت؟

سارتر دیدگاه‌های خودش را ابراز و در نشریه‌های زیرزمینی هم چاپ کرد: به فکر واداشتن، درعین‌عین عامل تفریح‌بودن و تأثیر گذاشتن، امری بود که فقط سینما قادر به [تحقق] آن بود، و در مورد جمع‌کثیر هم می‌توانست چنین باشد؛ او فکر می‌کرد پس از پدیدآمدن سینمای ناطق، قدرت تداعی هنر هفتم و گسترش افقی که این هنر قادر به عرضه آن است، کاری که کارگردانان بزرگ سینمای صامت به آن خوبی قادر به انجامش بودند، از یاد برده شده است. «این غول را ناگزیر کرده‌اند مینیاتور بکشد». سارتر رؤیای معادل‌های مدرن متروپولیس^۱ و تولد یک ملت^۲، را در سر داشت که می‌توانستند به تماشاگران این آگاهی کامل را بدهند که آنان نه فقط به مثابه فرد، بلکه در مقام جمع نیز وجود دارند؛ می‌بایست «با توده از توده سخن گفت»؛ توده نیز سودهای خود، امیدهای خود و توهم‌زدایی‌ها، قهرمانی یا بی‌رحمی و شیفتگی‌های غم‌بار خود را دارد: «این امر به معنای آن نیست که سینما باید درام‌های عشقی یا برخوردارهای افراد را بر خود ممنوع بشمارد... به‌علاوه، سرعتی که دوربین فیلم‌برداری با آن می‌تواند از یک‌جا به جای

۱. Metropolis؛ فیلمی اکسپرسونیستی - علمی تخیلی از فریتس لانگ که ۱۹۲۷ و در دوران کوتاه جمهوری وایمار ساخته شد. - م.
 ۲. فیلمی از دی. دبلیو. گریفیث کارگردان امریکایی، ساخته ۱۹۱۵ که نخستین فیلم بلند تاریخ سینما شمرده می‌شود. - م.

دیگری بپرد، اجازه می‌دهد ماجرای خود را به تمام جهان منتقل کنیم^۱.) در ضمن ملاحظه می‌شود که «تعلیق»، دومین بخش رمان سه‌گانه‌ای^۲ که سارتر در همان ایام می‌نوشت، به یاری کلمه‌ها می‌کوشید اضطراب جمعی را - در برابر تهدیدهای جنگ - در هفته پیش از توافقی‌های مونیخ، محسوس کند^۳.

از جمله طرح‌های اجمالی کم‌وبیش غنی فیلم‌نامه‌هایی که طی ماه‌های بعد سارتر در اختیار کمیته بررسی مؤسسه گذاشت، «کار از کار گذشت» و «تیفوس» مورد توجه ژان دو لائوا^۴ قرار گرفتند. اثر اول، سرانجام از طرف مدیریت مؤسسه پاته «خیلی متافیزیک» تشخیص داده شد و کارگردان، به‌طور موقت، از تهیه آن چشم پوشید^۵؛ تهیه‌کننده به تیفوس بیشتر توجه کرد. سارتر یک طرح هفتادصفحه‌ای - البته به شکل داستان - از آن

۱. «فیلمی برای بعد جنگ»، مقاله بدون امضای سارتر در «اکران فرانسه» که در له لتر فرانسز مخفی، شماره پانزدهم آوریل ۱۹۴۴، هم چاپ شد. - ن.

۲. اشاره نویسنده به سه‌گانه «راه‌های آزادی» است. - م.

۳. در سپتامبر ۱۹۳۸ که خطر آغاز جنگ جهانی همه را دستخوش اضطراب کرده بود آلمان، انگلستان، ایتالیا و فرانسه (بدون دعوت از چکسلواکی ذینفع) کنفرانسی در مونیخ تشکیل دادند تا بحران سودت را برطرف کنند. با بخشیده شدن بخش آلمانی‌نشین چکسلواکی به آلمان هیتلری، مدت کوتاهی جهان احساس امنیت کرد ولی یک‌سال بعد، در سپتامبر ۱۹۳۹ فاجعه جنگ جهانی دوم آغاز شد. - م.

۴. Jean Delannoy؛ کارگردان و سناریونویس فرانسوی، ۱۹۰۸-۲۰۰۸. - م.

۵. ن ک: ژان دلانوا: در چشمان خاطره، بل لتر، ۱۹۹۸. او بعدها موفق شد تهیه‌کننده دیگری را متقاعد کند. «کار از کار گذشت» در ۱۹۴۷ ساخته شد. - ن.

نوشته بود.^۱ نینو فرانک^۲ فیلم‌نامه‌نویس، به مثابه مشاور فنی در اختیار او گذاشته شد و سارتر در طول زمستان ۱۹۴۳ - ۱۹۴۴ با او کار کرد. سارتر به راهنمایی ناقدان و پیشنهادهای فردی اهل تئاتر، سرگذشتش را به صورتی سکانس‌های گسترده‌ای با توضیح‌های سمعی و بصری دقیقی که با نیروی تخیل سخن می‌گویند درآورد. و این همان فیلم‌نامه‌ای است که به شکل تقریباً حرفه‌ای آن، و مطابق دستنوشته محفوظ در کتابخانه ملی، این جا عرضه می‌کنیم.

سارتر می‌توانست امیدوار باشد که اثرش را تقریباً به گونه‌ای که طرح‌ریزی کرده بود و پس از یک دکوپاژ فشرده‌تر، بر پرده سینما ببیند. ولی ملاحظه‌های مختلف به مداخله پرداختند؛ یکی از نخستین سکانس‌ها، (مرگ روی سقف اتوبوس) بود که نخست آن را تحسین‌انگیز یافته بودند، اما وقتی فکر کردند گفتند شوک‌آور و در ضمن تهیه‌اش غیر ممکن است، و نقش قهرمان زن - آوازخوانی که حاضر است در نجیب‌خانه‌ای تلف شود - برای هنرپیشه‌ای مناسب نبود که نظرش را جویا شده بودند. خود سرگذشت هم که سارتر مکانش را در مالزی تحت‌الحمایه بریتانیا قرار می‌داد، معلوم نیست به دلیل‌های مادی یا سیاسی، سبب شد که پاها پس کشیده شوند.

۱. ن ک: نامه‌هایی به کاستور و چندتن دیگر، جلد دوم، تابستان ۱۹۴۳، گالیمار، ۱۹۸۳. (ن)

۲. ن ک: سینمای کوچک احساساتی، خاطرات نینو فرانک Nino Frank، نوول ادیسیون

۱۹۵۰. (ن)